

● پرورش انسان کامل؛ هدف نهایی تربیت اسلامی است

معنی لغوی تربیت؛ تهذیب، تدبیر، رهبری و سرپرستی است. به نظر علما، این الفاظ در اصل و اساس با یکدیگر توافق دارند. گرچه، صاحبان هر ایده‌ای هدف خاصی برای تربیت در نظر گرفته‌اند ولی بعضی، پرورش شجاعانه را تربیت خوانده و بعضی دیگر، به کشتن شهوات و پاکیزگی دل اکتفا نموده و گروهی نیز پیشرفت در علوم را مد نظر داشته‌اند. اما هدف تربیت اسلامی، ساختن و پرداختن انسانی است که به کمال لایق خود در جهات مادی و معنوی تامل گردیده و «مرآت رب العالمین» شود.

قاعده کلی و اصل اساسی تربیت اسلامی، ایجاد پیوند بین قلب انسان و خداست. پیوستگی دائمی، که هر لحظه قلب را برمی‌انگیزد تا به خدا رجوع و در هر کاری، از قانون اساسی و ابدی او طلب مشورت کند و پیوندی که با آن، هر چیز تمام و کمال و بدون آن، همه چیز پوچ و بی‌بهره می‌گردد.

أَلَلَّهُمْ صَلِّ عَلَى فاطمةَ وَ آبيهَا وَ بَنِيهَا بِقَدْوِ مَا
أَحْبَبْتَ بِهِ عَلَّمَكُم.

عنوان بحث تربیت قولی و فعلی، حلقه اتصال بین مقام منبع رسالت و منزلت عظیم ولایت، شهیده سنگر امامت، مظهر عصمت و طهارت، چشمه زلال مادری، ساحل آرام بندگی، دریای بیسکران احمدی، راضیه مرضیه، صدیقه طاهره، فاطمه زهرا سلام الله علیها می‌باشد. بجاست قبل از ورود به بحث، مفهومی را که معمولاً از کلمه «تربیت» مستفاد می‌شود به اختصار بررسی کنیم.

در این نوشتار، سخن از انسانی است که تربیت در وجود او تجلی یافته و تمامی حرکات و سکناتش، سرمشق هر مرتبی در هر زمان و مکان است. شناخت شخصیت این عطیه الهی، فصلی از کتاب ربوبیت و خزینته‌ای پر بار برای انسانهای هر عصر است. موجودی که گاه با اقوال خویش و گناه با افعال حکیمانه‌اش، چون شمسی فراراه مسیر تربیتی هر انسان درخشیدن گرفته و راه را برای رهروان منور می‌سازد.

تربیت فعلی

از آنجا که اسلام، همیشه دعوتها را با اعمال می‌خواهد، نه با گفتار، زندگی حضرتش سراسر مملو از جریاناتی است که عملاً، به انسان درس فضیلت و ایثار و حق‌طلبی و آزادگی می‌آموزد. وجود او از همان اوان کودکی مظهر ربوبیت رب العالمین است. چرا که، از طفولیت مخالف مشرکان و جنگ روانی کفار با پیامبر را مشاهده می‌کرد. حصر اقتصادی را با تمام وجود لمس می‌کرد و شکنجه مسلمین را به وضوح می‌دید؛ اما، نه تنها از شکیبانی و استقامت حضرتش کاسته نمی‌شد بلکه، ملاحظه این مصائب و گرفتاریها، روح استقامت و جهاد و تحمل در برابر مشکلات و شاید را بیشتر در او زنده می‌کرد. هنگام تعیین مهریه در مراسم ازدواج، آنگاه که پیامبر مبلغ معینی را تعیین می‌نمایند وی به پدرش عرض می‌کند از خدا بخواهید مهریه مرا شفاعت گنجهکاران است تو قرار دهد و در این هنگام است که جبرئیل نازل شده و کاغذ کوچکی از حریر را که بر روی آن نوشته شده بود: «خداي تعالی، مهریه قاطعه را شفاعت گنجهکاران است پدرش قرار داد» به پیامبر می‌دهد و می‌بینیم در این مقطع حساس از زندگی، ایشان چگونه راه و رسم بلند نظری و آینده‌نگری و عظمت شخصیت و علو همت و مرتبت را آموزش می‌دهد.

هرگز فراموش نمی‌کنیم عملی بس بزرگ و بی نظیر را که در شب عروسی از وی مشاهده شد. آنگاه که سائلی، جامهٔ کهنه‌ای خواست و وی لباس عروسی خود را به وی بخشید تا به گفتهٔ پروردگارش:

(لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا بِمَا تُحِبُّونَ) ^۲ جامه عمل ببوشانند ^۳ و این چنین به همهٔ زنان و مردان در هر عصر و نسل، فضیلت بیاموزد.

آنگاه که در محراب عبادت ایستاده و با خدای خویش راز و نیاز می‌نماید شب تا به صبح، برای همسایگان خویش دعا می‌کند «همان همسایگانی که حقش را غصب نموده و او را تنها گذاشتند و...» و در برابر سؤال فرزندش که مادر، چرا فقط همسایه را دعا می‌کنی؟! پاسخ می‌دهد: «الجارُ ثُمَّ العار» (ابتدا همسایه و بعد صاحبخانه) و این چنین به فرزندش که خود امام است و راهبر، درس ایثار و از خود گذشتگی می‌آموزد.

عصارة آفرینش و شمس علم و دانش را، گناه در سنگر تعلیم می‌بینیم. آنگاه که بانویی در روز، چندین مرتبه مراجعه نمود؛ و سؤالی کرد و هر نوبت، حضرتش با شرح صدر جوابی کامل به وی داد. آنگاه که برای دهمین مرتبه در یک روز مراجعه می‌نماید اظهار

شرمندگی نمود و حبیبی خدا در پاسخ او، سخن مبسوطی در باب فضیلت عالم و متعلم بیان نمود و ارشاد بتدنگان را بسیار مأجور خواند و جایگاه علماء را در روز قیامت تبیین فرمود. در واقعه ای دیگر، آنگاه که ابن سعید به دیدار حضرت آمده و عرض می نماید: ای دختر رسول خدا، آیا پیامبر نزد تو حقایقی را نهفته است که ما بتوانیم از آن بهره مند شویم؟ فاطمه به خدمتگزار خود فرمود: آن برگه های نوشته را بیاور. خدمتکار جستجو نمود ولی نیافت. در این لحظه فاطمه به او می فرماید:

«وای بر تو... آن اوراق در نزد من، با ارزش حسن و حسین برابری می کند.»

جالب توجه اینجاست که هر مادری، عزیزترین افراد در نظرش فرزندانش می باشد. مخصوصاً زمانی که آن دو، حسین باشند که سید جوانان اهل بهشت به شمار می روند و در این کلمات، صدقه گیری ارزش کلمات حضرت رسول و دستورات وحی الهی را هم ترازی با دو دلیندش ذکر می فرماید و عملاً، به هر پیوسته راه متذکر می گردند. زندگی زناشویی وی را تیز سراسر درس می یابیم و مدرسه ای برای کسانی که می خواهند براساس تربیت اسلامی زندگی کنند. آنگاه که دوروز است خود و فرزندانش چیزی نخوده اند و هنگامی که علی بن ابیطالب (ع) این مطلب را متوجه شده به صدقه طاهره می فرماید چرا مرا آنگاه تماختی که در خانه چیزی یافت نمی شود و الگوی شکیستی و صبر در پاسخ می فرماید: «یا ابا الحسن، من از خدای خود حیا می کنم که بر شما تکلیف کنم چیزی که طاقت و قدرت آن را نداری» آری، این گونه زهرا زندگی خدا پسندانه ای را برای همه زنان ترسیم می نماید.

اگر مولای متقیان را در صحنه های مختلف می یابیم که تمامی دارایی خویش را یا طیب خاطر انفاق می نماید و به نیازمندان می بخشد به این جهت است که در پس پرده، زهرای در انتظار است که همواره، او را به این عمل خدا پسندانه ترغیب نموده و به حداقل روزی قناعت می نماید.

هدف نهایی
هدف تربیت اسلامی،
ساختن و پرداختن انسانی
است که به کمال لایق خود
در جهات مادی و معنوی نائل
گردیده و «مرآت
رب العالمین» شود.

تعماسی رفتار وی، به هر زنی درس شوهرداری می آموزد. تسلیم وی را در برابر همسرش آنگاه می بینیم که ابوبکر و عمر، از چندین واسطه تقاضای ملاقات با مظهر عصمت و طهارت نمودند ولی هر بار از حضرت جواب منفی شنیدند و نهایتاً به علی بن ابیطالب متمسک شدند تا شاید جواب مثبت بگیرند؛ علی (ع) به آنان پاسخ مثبت داد و واقعه را برای حبیبۀ خدا بازگو نمود. زهرا در پاسخ شوهرش این چنین فرمود: *البت بیتك والحرمة امتك* (خانه شانهٔ توست و این آزاده، کنیز تو) و این چنین تسلیم نظر شوهر بزرگوار خویش می گردد. اما آنگاه که آنان به حضور می رسند حضرت، جواب سلام را نداد و روی خویش را از آنان برگرداند. به این وسیله، هم به نظر علی بن ابیطالب جامه عمل پوشاند و هم ناراضی خویش را از آنان رسماً اعلام کرد. ناموس دهر، آنگاه که با مصیبت جانگداز رحلت پدر مواجه می شود و برخورد بسیار ناگوار اطرافیان را می بیند گاه، با گریه های خویش در بیت الاحزان، امت اسلامی را از فاجعه تغییر سیر خلافت آگاه می سازد و گاه، با بیدار کردن و شخصیت سازیهای شبانه خویش به این مهم برمی خیزد و چهل شب، درب خانه یکایک اعضا را کوبیده و با فرد فرد آنان صحبت می کند. و آنان را از سستی که بر امت اسلامی رفته است آگاه نموده و استمداد می طلبد. وصیت نامه حضرتش، نمونه بسیار بارزی از تربیت فطری وی می باشد؛ چرا که، به علی بن ابیطالب این چنین وصیت می فرماید:

مبادا، هیچکس از کسانی که به من متم نموده اند شرکت کنند؛ زیرا آنان دشمن من و دشمن رسول خدایند و مبادا بگذاری نغری از آنان و پیروانشان بر من نماز بخوانند. مرا در شب، هنگامی که چشمها آرام گرفته و مردمان به خواب رفته اند به خاک بپاره شهیده سنگر امامت با این وصیت نامه، نام خویش را در طلیعه و سرلوحه اسامی حق پایمال شدگان و محرومان و مظلومان تاریخ ثبت می نماید و این؛ اعلام خشم و غضب حبیبۀ رسول خداست بر کلیه کسانی که در قبال رخدادها و

رویدادهای پس از فوت پیامبر، نسبت به حضرتش موضع منفی می گیرند. آری، حضرت در مقابل تجاوزگران اینگونه عکس العمل نشان می دهد و آنان را تنبیه می نماید تا میزان زشتی عمل خود را دانسته و اعمال ظالمانه و تجاوزهای آشکار آنان برای همیشه در صفحه تاریخ ثبت و ضبط گردد.

زهرا، حتی از شیوة تربیتی خویش که «مرآت و رحمانیت الله» است در بستر مرگ نیز غافل نبوده و در واپسین لحظات حیات، از «اسماء» می خواهد که دخترانش را از منزل خارج نماید تا مبادا در غم مرضی مادر متأثر گردند و به لطافت روح دخترانه آنان لطمه وارد شود. به این سان، به همهٔ مادران درس چگونگی برخورد با دختران را می دهد که تا حد امکان، روح لطیف آنان را از مشاهده مصیبتها حفظ نموده و کدورت خاطر آنان را فراهم نسازند. واقعه ای دیگر را قبل از دفن حضرتش مشاهده می کنیم که شرح و تحلیل آن را به عهدهٔ شما خوانندگان عزیز می سپاریم. قضیه ای که توانین طبیعت را زیر پا نهاده و از قواعد ماوراء الطبیعه نشأت می یابد؛ واقعه ای که خرق عادات و سنن طبیعی را می نماید. بجماست که این مطلب را از زبان علی بن ابیطالب بشنویم:

«در آن هنگام که یتیمان فاطمه در حال گریه و شیون بودند خدا را شاهد می گیرم که فاطمه نیز شروع به آه و ناله کرد و دستهای خویش را از کفن بیرون آورده و مدتی دوپسر خویش را به سینه چسبانید» آری، زندگی فاطمه تمام شد اما احساسات و ادراکات وی از بین نرفت. پس روح، تحت شرایط معینی این چنین در جسم تصرف می نماید و شاید هم، این تجلی عطفوت مادری است و درسی برای...

تربیت قولی

با نگاهی به حدیث مبارک «کساء»، که از شخص حضرتش حکایت شده است نحوهٔ تکلم با فرزندان را در می یابیم آنگاه که در جواب فرزندش می فرماید: السلام علیک یا قرّة عینی وقرّة فؤادی (سلام بر تو ای نور چشم

من و میوه قلب من) و این چنین به همه مادران، راه و روش مادری را می آموزد.

تربیت شده رسول الله، پس از مرگ پدر سقراط اخلاقی هول انگیزی را در معیارها و افکار مردم و فساد همه جانبه ای را در نظام اجتماعی مشاهده می کرد. او تمام تحولی را که آینده بشر در بعد مادی آن، برای انسانها ایجاد می نمود از همان روزه به وضوح می دید. لذا با وجود اینکه، دوره بسیار کوتاهی پس از پیامبر زندگی کرد اما دو خطبه بسیار جاودانه از خویش به یادگار گذاشته است که این دو، بهترین سند «تربیت قوی» حضرت می باشد.

خطبه اول حضرت که در مسجد پیامبر و به انگیزه فدک ابراد گردید از حد یک سخنرانی حماسی و یا اظهار مصیبت و شکایت خارج است؛ این کلمات، نه به عنوان اعتراض به سیاست مالی و اقتصادی دولت، که بر اساسی شورا شکل گرفته است می باشد و نه به عنوان موضوع شخصی مطرح می گردد؛ بلکه طرح مسئله فدک، انقلاب علیه سیاست وقت و به منظور اصلاح ملتی است که با نادیده گرفتن همه زحمات و خون دلها، می خواهد مرتجع باشد و به جاهلیت نخست باز گردد. قسمت عمده خطبه، معرفی و سپود مقدس امیرالمؤمنین و یادآوری فدا کارها و جان فشانها و مقاومتها می است که علی در شکل گیری اسلام و دوران ضعف آن به عمل آورده است.

زهر در این پیام، از نیروهای متفکری که در مجلس حضور داشتند اظهار ناراضی نبوده و از آنها می خواهد که مهر سکوت را شکسته و فریاد برآورند و بدین وسیله او را در اجزای عالیترین و شریفترین مراتب تربیت اسلامی یاری نمایند. رنوس مطالب و موضوعات خطبه بدین شرح است:

حمد و ثنای الهی، توحید استدلالی، نبوت، حکایت زمان جاهلیت و مجاهدات رسول اکرم، نقش قرآن، علل شرایع، حوادث ایام رسالت، موقعیت همسر گرامیش در پیشامدهای زمان پیامبر، ضعف مسلمین در

*** حضرت زهرا (س) در روش تربیتی خود معتقد بود که اجتماع باید دارای تدبیری باشد که فرمانروایان، آن را در دست دارند و هر فردی از جامعه، باید از هر واقعه ای که اتفاق می افتد، آگاه بوده و دارای مسئولیت باشد.**

برابر اهل بیت، استبضاح رئیس دولت و هیأت حاکمه در باره ارت و اقامه دلیل و برهان در این زمینه، سرزنش و توبیخ حضار و در نهایت شکایت به رسول الله. او در این خطبه، زیباترین تعابیر و دقیقترین تمثیل را به کار گرفته و محکمترین ادله را برای اثبات کلام خویش استفاده نموده و شدیدترین توبیخ ها را نموده و از برآمده ترین حره ها کمک گرفته است. کلام قاطعه، در حقیقت عصاره وحی الهی و نبوت نبوی و ولایت علوی است آنچنان که پس از پایان خطبه، وجدهای خفته را بیدار نموده و آه حسرت از نهاد مستعین برآورده است.

بانوئی نمونه اسلام در ستر بیماری نیز از نقش مربیگری خود دست برنداشته و لحظه ای از بیدارسازی افکار غافل نمی ماند؛ آنگاه که زمان مهاجر و انصار از شدت رنجوریش آگاه گشته و سرای عیادت به دیدارش شتافته تا از حال او جوینا شود؛ در اینجا نیز به ابراد خطبه ای دیگر می پردازد اما در حقیقت، رنج نامه خویش را می خواند رنجی که تا اسحاق وجودش نفوذ نمود و وجودش را در شعله های سوزان خویش فرورده است.

این بار، کلامش رنگ آتش گرفته است چرا که از دل خوئین او سرچشمه می‌گیرد و به همین جهت است که در قلوب مستمعین نیز آتشی به پا می‌شود.

او در این ملاقات، از دردهای جسمانی خویش سخن نراند؛ بلکه محور کلام وی، مسأله غضب خلافت و مظلومیت همسر گرانقدرش مولای متقیان و خطرات این انحراف عظیم در گستره تاریخ اسلامی است. او در این هنگام، با وجود مطالب بسیاری که پس از مرگ پدر بزرگوارش تحمل نموده هرگز، حکایت ستم بر خویش رفته را بر زبان نمی‌راند بلکه در قالب کلماتی آتشین به روشنگری می‌پردازد.

در قسمت نخست خطبه، از انسانهای فرصت طلب و سودجو و متلون اظهار انزجار نموده و خطر به بازی گرفتن مصالح اسلامی، تسلیم در برابر دشمن، فساد عقیده، گمراهی افکار و لغزش اراده‌ها را به آنها گوشزد می‌نماید. او دگرگونی ارزشها را به آنان هشدار داده و در حقیقت، علت امتناع مردم از پذیرش خلافت علی بن ابیطالب را در این می‌بیند که جامعه منحرف گشته، سلامت خویش را از دست داده و دستاوردهای اصیل اسلامی دگرگون شده است. یادگار نبوت در فرازی از خطبه اش، ثمره شوم انتخاب نادرست آنان را متذکر شده و خطا کاران را از نتیجه اشتباهشان باخبر ساخته، رویاهای شیرین را به کابوسی هولناک مبدل می‌نماید و چنین می‌فرماید:

«شتر خلافت، بعد از انحراف از مسیر بزودی باردار می‌شود و نوزاد عجیب الخلقه خود را بر زمین می‌نهد؛ آنگاه به جای اینکه شیر گوارا بنوشید کاسه‌های مملو از خون تازه به شما تحویل خواهد داد و زهر جانگداز را در حلقومتان خواهد ریخت». یعنی، آنگاه که ستمگران تاریخ و ناشایستگان به حکومت رسد هیچگونه حربه‌ای برای شما باقی نمانده و هرگز در انتظار امنیت و آرامش نباشید.

آری، زهر در روش تربیتی خود معتقد است که اجتماع باید دارای تدبیری باشد که فرمانروایان آن را در

دست دارند و سر فردی از جامعه، از هر واقعه‌ای که اتفاق می‌افتد باید آگاه بوده و دارای مسئولیت باشد؛ در غیر این صورت، کیفر غفلت خود را از همان جامعه می‌بیند اگر چه خود خلافتی مرتکب نشده باشد. اوبسیار دلسوزانه، آن سوی حکومت علی را همچون تصویر روشنی در برابر دیدگان این بانوان مجسم نموده و می‌فرماید: «به خدا سوگند، هرگاه مردم از جاده حق منحرف می‌شدند و از دلیل روشن سرباز می‌زدند آنها را با نرمی و ملامت به سوی منزل مقصود سیر می‌داد، سیری که هرگز آزردهنده نبود. نه مرکب ناتوان می‌شد و نه را کب خسته و ملول، و سرانجام آنها را به سرچشمه آب زلال و گوارا وارد می‌ساخت؛ محضری که دو طرفش مملو از آب بود، آبی که هرگز ناصاف نمی‌شد؛ سپس آنها را پس از سیرابی کامل باز می‌گرداند و آنها سرانجام، او را در پنهان و آشکار، خیرخواه خود می‌یافتند.»

در اواخر خطبه، رمز تمامی این بدبختی‌ها و انحطاط‌ها را دنیاطلبی ذکر کرده، امتحانی که در پیش رو دارند و فتنه پُر اضطرابی که در انتظارشان است را به آنان گوشزد می‌نماید و سپس می‌فرماید: «تأسف بر شما، چگونه امید نجات دارید در حالیکه حقیقت بر شما مخفی مانده و از واقعیتها بی‌خبرید؟ آری، قلب تابناک او تمامی حوادث سهمگین آینده را منعکس نمود. بزودی هرج و مرج سایه شوم خود را بر جامعه اسلامی افکند و مسلمانان، تا به امروز نلخی آن سیاستها را می‌چشند.

زبرنویس‌ها

- ۱- کوروا ذغاة الناس بغیر التکم
- ۲- به نیکوکاری نمی‌رسد مگر از آنچه دوست دارید اطاعت کنید.
- ۳- روایت در نزهة المجالس، ج ۲، ص ۲۲۶.
- ۴- بحار الانوار کتاب العلم.
- ۵- روضة الیواظنین.
- ۶- فاطمة الزهرا من المهد الی اللحد.